

مصرف بیت المال در فقه مذاهب اسلامی

سهیلا قندهاری

دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

چکیده

منابع و مصارف بیت المال بسیار متنوع و گسترده است و این گستردگی با توجه به مذهب و رویکردی فقهی که هر مذهب به این موضوع دارد متفاوت است. در برخی حالات این موضوع نزدیک به هم و در برخی حالات متفاوت است و از هم دور است. این مطالعه با هدف بررسی تعیین راههای مصارف بیت المال از منظر فقه انجام شده است. روش انجام پژوهش از نوع تحلیلی توصیفی می باشد. یافته های مطالعه نشان می دهد که به طور کلی مصارف بیت المال در فقه مذاهب اسلامی با اندکی تغییر در نحوه و نوع آن در مصرف و کسب آن بر یک نوع استوار است. در مواردی چون خمس و زکات عموماً به دلیل استنادات قرآنی همه اتفاق نظر دارند و در مابقی موارد تفاوتی در مصرف و کسب آن در میان فقهای سنی و شیعه وجود دارد. مصارف بیت المال برخی مصارف بیت المال خاص خود را دارند، از جمله زکات و خمس، و برخی دیگر مال عمومی مسلمانان اند و مصرف خاصی برای آنها تعیین نشده و به حسب مصالح عمومی مصرف می شوند، همچون فیء. ازینرو فقیهان اهل سنت بیت المال را از جهت مصرف چهار نوع در نظر گرفته اند: زکات، بیت خمس، بیت اموال پیدا شده (مجهول المالک) و بیت فیء. اموال مجهول المالک را تنها فقیهان حنفی مختص فقرا و گم شدگان بی سرپرست، و سایر فقیهان مختص مصالح عمومی و همانند فیء دانسته اند.

واژگان کلیدی: بیت المال، فیء، انفال، زکات، خمس

مقدمه

مبحث بیت المال به عنوان رکن اقتصادی جامعه اسلامی مطرح شده است. این منبع درآمدی در اسلام براساس منابع و مصارفی تقسیم بندی می شود. در فقه امامیه و حنفی بیت المال را به عنوان املاک و هزینه ای می دانند که حاکم اسلامی برای حفظ سطح رفاه و امنیت جامعه مسلمین می تواند از آن استخراج کرده و منابع آن را به مصارف برساند. این مفهوم دارای گسترده بسیار متنوعی می باشد که براساس شرایط زمان توسط فقهای هر عصر مورد تحلیل و بازبینی قرار گرفته است اما به طور کلی مبانی این مفهوم در مبانی فقهی آن در مذاهب اسلامی ثابت مانده است. مهمترین منابع تامین بیت المال در اسلام را خراج، غنایم جنگی، جزیه، صدقات و زکات عامه می دانند. این موضوع در فقه مولفه ای محوری محسوب می شود و چگونگی منابع و مصارف آن مورد بحث در بسیاری از زمینه های بحث علمی بوده است. بیت المال یک موضوعی نیست که تنها با رویکرد اقتصادی به بررسی آن پرداخته شود. مذاهب اسلامی در طی قرون گذشته و عصر حاضر با محوریت تشکیل حکومت اسلامی بوده اند و در این میان از بیت المال به عنوان محور تامین مخارج حکومت اسلامی در عصر حاضر استفاده می کنند. در هر دو رویکرد امامیه و حنفی موضوع بیت المال به صورت تفصیلی مورد بحث واقع شده است. با ظهور اسلام، رسول خدا از بیت المال به عنوان منبع اصلی تامین مخارج دولتی یاد می کرد. و منابع و مصارف آن را به عنوان یکی از راههای گسترش و توسعه حکومت اسلامی می داند. نمی توان بیت المال را تنها در زکات و خمس محدود دانست. اقوال فقها در هر مذاهب اسلامی نشان می دهد که دامنه گسترده تری برای بیت المال ذکر شده است البته عمده ترین منابع درآمدی بیت المال را در زکات، خمس و انفالی فی می دانند.

از سوی دیگر در رویکرد مذاهب اسلامی به موضوع منابع و مصارف بیت المال برخی حالات به طور دقیق مشخص شده است مانند موضوع زکات و منابع و مصارف آن البته جای بحث است که با توجه به تغییر شرایط تولید کالا حتی این موضوع تغییر کاربرد برای این نوع منبع درآمدی نیز مهم است. از طرف دیگر با تغییر شرایط جنگ ها موضوع غنایم جنگی نیز جای بحث دارد همانطور که در سنت بوده است پس از جنگ ها غنایم در بین مسلمانان تقسیم می شده است اما با پیدایش دولت مرکزی مدرن در جنگ های امروزی تقسیم غنایمی که محل فروش در بازار عادی را دارد منتفی شده است از این نظر نگرش فقه مذاهب اسلامی به این موضوع نیز می تواند مورد تامل باشد.

بیان مساله

بیت المال به عنوان منبع اصلی تامین مخارج دولت اسلامی در عصر گذشته بوده است. این منبع بر گرفته از مستندات و آیات و روایات پدید آمده بود و در بسیاری از موارد تابع شرایط از پیش تعیین شده ای بود که در شرع مقدس اسلام رعایت می شده است. با توجه به پدیداری رویکردهای متفاوت در اسلام پس از رسول خدا برخی شرایط و وجوب بیت المال نیز در میان فقهای اهل سنت و شیعه دچار افتراق گردید. علمای اهل تسنن در برخی حالات شرایط مصارف و منابع بیت المال را به شکلی می دانستند که برخی از علمای اهل تشیع آن گونه به آن نمی نگرستند و یا این حالت برعکس بوده است اما در اصل موضوع و اینکه موارد مصرف و منابع بیت المال چه چیزهایی بوده است اجماع تقریباً خوبی بین علمای اسلام وجود دارد. موارد مصرف بیت المال برگرفته از آیات و روایات می باشد و اختلاف کمتری بر سر آن وجود دارد منابع درآمدی بیت المال از سوی روایات و احادیث تعیین شده است در این روایات و حتی در برخی از آیات قرآن موارد متعلق شده به بیت المال بیان شده است از جمله می توان به اصلی ترین آنها یعنی زکات، خمس، انفال، فی و اقطا اشاره نمود. به طور کلی موارد مصرف و تامین بیت

المال در شرع مقدس اسلام بسیار گسترده نقل شده است از طرفی مقتضیات زمان، پیدایش شغل های جدید و تولیدات مبتنی بر افکار نیز نوعی جدیدی از محصولات را در جامعه مسلمین پدید آورده است که می تواند منابع جدید بیت المال محسوب شود. در ایران می توان از مهمترین منابع تامین بیت المال را معادن، ذخایر زیر زمینی و بخشی از مالیات دانست که در اختیار حکومت اسلامی قرار می گیرد این بخش از بیت المال برای بهبود سطح رفاه جامعه مسلمین خرج می شود. در کنار آنها منابع سنتی بیت المال نیز وجود دارد که در شرع به آن توجه شده است. این مطالعه به دنبال بررسی منابع تامین درآمد و مصرف بیت المال در فقه مذاهب اسلامی است. چرا که هر بخشی از شرع مقدس اسلام با رویکردهای فقهی مورد تحلیل قرار می گیرد و این رویکردهای متفاوت سبب ایجاد دیدگاه ها و عملکرد های متفاوت در سطح جامعه مسلمین شده است. از این روی بررسی دیدگاه مذاهب اسلامی در این زمینه می تواند به تحلیل بهتر مصارف و منابع بیت المال در عصر حاضر کمک نماید.

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

با توجه به اینکه مالیات یکی از راههای درآمد دولت می باشد و در سالهای اخیر توجه ویژه ای به آن شده است، و از طرفی مالیات یکی از مهمترین راههای کسب درآمد دولت در هنگام مواجهه با مشکلات سیاست خارجی می باشد و اینکه مالیات به عنوان یک خراج اسلامی می تواند در نظر گرفته شود که مصارف بیت المال را شامل می شود. به عبارت دیگر از آنجا که مالیات و سایر منابع بیت المال در مذاهب اسلامی با کمی تفاوت با یکدیگر بیان شده اند و در برخی موارد استناد به آیات با تفاسیر متفاوتی ارجاع داده شده و برخی مذاهب گرایشهای نزدیکی در عمده منابع بیت المال داشته اند می توان در نظر گرفت که بررسی این موضوع از سوی مذاهب اسلامی می تواند نشان دهنده پختگی مباحث مطرح فقهی در بین فقهای اسلام باشد. از طرفی دیگر نمی توان برخی قوانین را در کشورهای اسلامی تصویب کرد بدون آنکه مبنای دقیقی از عملکرد فقهی آنها داشت که این موضوع در کشور ایران تا حدود بسیار زیادی صدق می کند. و از آنجا که گسترده مفهوم بیت المال در مذاهب اسلام بسیار گسترده است لذا بررسی مفهوم بیت المال و منابع و مصارف آن در بین مذاهب اسلامی از اهمیت بسیار برخوردار است و بررسی این موضوع ضروری به نظر می رسد.

سوالهای پژوهش

1- راههای مصرف بیت المال در عصر حاضر چه تناسبی با صدر اسلام دارد؟

فرضیه ها

- 1- به نظر می رسد با گذشت زمان بین مصارف بیت المال با آنچه در صدر اسلام وجود داشته است تفاوتی ایجاد شده است.
- 2- به نظر می رسد راههای مصارف بیت المال با آنچه که در صدر اسلام وجود داشته است اندکی متفاوت شده است.
- 3- بیت المال و هزینه کردن آن در فقه امامیه و اهل سنت بجز در موارد جزئی از قبیل: درآمد از ذخائر زیر زمینی و پرداخت برخی از هزینه های عمومی، تفاوت چندانی ندارند.

پیشینه تحقیق

پژوهشی توسط ایزانلو و میر شکاری (1390) تحت عنوان "بیت المال و نقش آن در جبران خسارت" با هدف بررسی احتمال بیت المال و همچنین چگونگی پرداخت دیه از بیت المال انجام گردید. این پژوهش بیان میکند که جبران خسارت وارده همواره به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولیت مدنی قابل طرح است. برای تضمین و تسهیل جبران خسارت، راهکارهای مختلفی توسط مقنن اندیشیده شده است. استادان حقوق برخی از مهم‌ترین این راهکارها را «ایجاد مسئولیت تضامنی، بیمه اجباری مسئولیت و صندوق تأمین خسارت» دانسته‌اند. بی‌گمان بر این موارد باید بیت المال را نیز افزود خصوصاً در مواردی که مسئولیت مدنی پاسخ‌گوی جبران خسارت نیست و عملاً ناکارآمد است.

پژوهشی توسط فخار طوسی (1380) تحت عنوان "عدالت علوی در گردآوری و هزینه سازی بیت المال" با هدف تبیین سیاستهای کلی حکومت حضرت علی علیه السلام در زمینه منابع تأمین و نیز نحوه صرف بیت المال انجام گردید. در این پژوهش خطوط اصلی مورد توجه حضرت علی علیه السلام در نحوه صرف و هزینه سازی بیت المال مورد توجه قرار گرفت و در خاتمه مساله ممنوعیت تحمیل هزینه های شخصی حاکم بر بیت المال از نگاه امیرالمومنین علیه السلام بیان گردید.

پژوهشی توسط حقانی زنجانی (1371) تحت عنوان "وظائف مأمورین جمع‌آوری بیت المال" با هدف بررسی وظائف مأمورین جمع‌آوری بیت المال انجام گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که با توجه به اهمیت حیاتی اقتصادی مالیات ها در پرداخت حقوق و فعالیت‌های عمرانی، اقتصادی، تجاری، نظامی و غیره در جامعه اسلامی مسائل گوناگون و جالبی در جمع‌آوری بیت المال وجود دارد که می‌تواند الگو و نمونه اخذ مالیات در نظام جمهوری اسلامی نیز واقع گردد.

پژوهشی توسط حقانی (1369) تحت عنوان "بیت المال از دیدگاه شیعه" با هدف بررسی مسایل مربوط به بیت المال از دیدگاه تشیع انجام گردید. نتایج این پژوهش نشان داد که وجوه بیت‌المال منحصر به اموالی است که با عنوان خراج و مقایسه از اراضی فتح شده گرفته می‌شود و می‌توان سهم سبیل الله را نیز بر آن اضافه کرد و چنین گفت که اموالی که بصورت اموال "فی" و "انفال" در فقه ملک دولت اسلامی یعنی امام وقت باضافه فیء مسلمانان و سهم مصالح مسلمین مجموعاً منابع مالی بیت‌المال را تشکیل می‌دهند.

شواهد قرآنی مفهوم بیت المال

قرآن کریم در برخی آیات به مفهوم بیت المال در جامعه مسلمین پرداخته است این آیات به طور کلی مستند به برخی از منابع بیت المال هستند و تفاسیر از آنها نشان از این دارد که این آیات دارای بار معنایی برای موضوع بیت المال می باشند به طور مثال می توان به آیات زیر اشاره کرد:

الف- «و جعلنا هم ائمه یهدون بأمرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوه و ایتاء الزکوه و کانوا لنا عابدین» (انبیاء/73)
 « ما ایشان (اسحاق و یعقوب) را پیشوایانی ساختیم که به امر ما هدایت می کنند و انجام کارهای نیک و نماز و زکات دادن را به آنان وحی کردیم و آنها پرستنده و مطیع ما بودند»

ب- و جعلنی مبارکاً این ما کنت و او صافی بالصلوه و الزکوه ما دمت حیا» (مریم/ 31)
 «هر جا که باشیم با برکتی کرده است و به نماز و زکات مادام که زنده باشم سفارشم فرمود» و یا در مورد حضرت اسماعیل آمده است:

ج- «کان یامر اهلہ بالصلوہ و الزکوہ و کان عند ربہ مرضیا» (مریم/ 55)

«و (اسماعیل) کسان خویش را به نماز و زکات فرمان می داد»

از جمع آیات بدست می آید که در زمان پیامبران پیشین زکات که یکی از منابع درآمد بیت المال بشمار می رود وجود داشته است.

دلایل روایی بیت المال

علاوه بر قرآن مباحثی نیز در روایت ها آمده است که به میزان بیشتری مصارف و منابع بیت المال را مورد تحلیل قرار داده است این روایات اهم در فقه شیعه و هم در فقه سنت جایگاهی محکم دارد و از سوی فقها مورد قبول و تحلیل و برخی حالات مورد استناد و ارجاع قرار گرفته است در زیر برخی از این روایات مورد بحث قرار می گیرد.

الف «عن ابی عبدالله(ع)» قال اوحی الله تعالی الی داود(ع) انک نعم العبد

لو لا انک من بیت المال و لا تعمل بیدک شیئاً قال فبکی داود(ع) فاوحی الله تعالی الی الحدید ان لن لعبدی داود فالان الله تعالی له الحدید فکان یعمل کل یوم درعا فیبعها بالف درهم فعمل(ع) ثلاث مائه و ستین درعا فباعها بثلاث مائه و ستین الف و استغنی عن بیت المال؛(مجلسی، 1362: 38) از امام صادق (ع) است که گفت: خداوند تعالی به داود وحی کرد که نیکو بنده ای بردی اگر از بیت المال ارتزاق نمی کردی، بلکه با دست خود چیزی می ساختی داود (ع) گریه کرد، خداوند تعالی به آهن وحی کرد که برای بنده ام نرم شو خداوند تعالی برای داود(ع) آهن را نرم کرد، هر روز یک زره می ساخت و آن را به هزار درهم می فروخت. 360 زره ساخت و آنرا به سی صد و شصت هزار درهم فروخت و از بیت المال بی نیاز شد.

ب « عن الصادق عن آبائه علیهم السلام(فی وصیه النبی) صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال یا علی ان عبدالمطلب سن فی الجاهلیه خمس سنن اجراها الله له فی الاسلام و وجو کنزها فاخرج منه الخمس و تصدق به فانزل الله: و اعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ (حرعاملی، 1403ق: 346) امام صادق از آباء(ع) نقل می کند و پیامبر(ص) در وصیت خود به حضرت علی(ع) گفت: ای علی عبدالمطلب در جاهلیت پنج سنت قرار داد که خدا آنها را در اسلام به اجرا گذاشت گنجی یافت خمس گنج را خارج کرد و آن را صدقه داد»

شایان ذکر است که در حدیث اول تصریح به لفظ بیت المال شده است و در حدیث دوم به یکی از موارد خمس (یافتن گنج) اشاره شده است بنابراین دو حدیث مذکور بیانگر وجود بیت المال قبل از اسلام است.

مستند تاریخی بیت المال

علاوه بر آیات و روایات مستندات تاریخی نیز حاکی از آن دارد که مفهوم بیت المال و خرج کرد در جامعه مسلمین از قبل وجود داشته است و حتی پیش از اسلام نیز مفهومی که به بودجه عمومی برای مصارف جامعه بیانجامد مورد بحث قرار می گرفته است. زیرا که زندگی انسانها مبتنی بر تعاون و همکاری بوده به طوری که با نگاه به زندگی اعراب جاهلی می توان دریافت که در جزیره العرب در هر ناحیه ای از آن گروهی از مردم بر پایه سنت خانوادگی مشترک به عنوان یک قبیله گرد آمده و منطقه حکومتی هر یک منحصر به مکانی بود که در آنجا سکنی گزیده بودند به گونه ای که حوزه عمل هر قبیله محدود به همان قبیله بود و کاری به قبایل دیگر نداشتند و از طرفی چون زندگی آنها مبتنی بر جنگ و غارت بود. پس یقیناً

در این عمل که یک هدف قبیله ای بود همکاری و تعاون همه اعضا قبیله ضروری بود به طوری که باید با مشارکت یکدیگر امکانات لازم را برای یک چنین اقدامی فراهم می کردند.

همچنین آورده شده که در بین قریش قبل از اسلام رفادت رایج بود. رفادت خرجی بود که قریش در هر موسم از اموال خویش به قصبی می دادند و به کمک آن طعامی برای حج گزاران می ساخت که هر کس از حاضران موسم حج مکنت و توشه نداشت از آن می خورد (الطبری، بی تا: 260) و همچنین نقل شده که در زمان هاشم قریش گاه مالیاتهایی به عنوان حق قریش از زوار می گرفتند در برابر گفته شده که قریش بخشی از اموال خویش را تسلیم هاشم می کردند تا در کمک به زوار مصرف گردد. (جعفریان، 1373: 21). و نیز آورده شده نعمان از شاهان حیره در مقابل این سؤال کسرای ایران که چرا عرب تحت یک نظام واحد و زیر سلطه یک حکومت واحد نمی رود گفت از آنجا که ملتها در خود احساس ضعف کرده و خوف هجوم دشمن را دارند زمام امور خویش را به آنها می سپارند اما عرب همه می خواهند پادشاه باشند و از دادن مالیات و خراج نفرت و نک دارند. (جعفریان، 1373: 79)

انواع منابع درآمدی بیت المال در زمان گذشته

زکات

زکات از احکام اقتصادی و اداری آثار و تبعات اقتصادی است، و از سوی دیگر از احکام اجتماعی، عبادی و تربیتی اسلام و از احکام اخلاقی است. زکات جامع ابعاد بسیاری است که توجه و عنایت به بعد یا ابعاد خاصی از آن معنا و مفهوم آن را ناقص می سازد، و تمام غرض شارع در وضع این قانون را تأمین نمی کند. باید گفت ابعاد فردی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و عبادی، در حکم و قانون زکات یکپارچه هستند و از یکدیگر جداشدنی نیستند (شعبانی، 1375: 122). یکی از موارد و منابع درآمدی بیت المال در اسلام زکات می باشد. طبق قول ماوردی، پیش از نزول این آیه پیامبر خدا زکات را بر پایه ی اجتهاد و رأی خود توزیع می کرد، تا آن که یکی از منافقان خود را بدان حضرت رساند و گفت: ای پیامبر خدا، عدالت بورز. پیامبر فرمود: «مادرت به عزایت بنشیند! اگر من عدالت نکنم چه کسی عدالت می کند؟» (ماوردی، 1383ق: 254) پس از این رخداد آیات زکات بر آن حضرت نازل شد و در این هنگام بود که پیامبر خدا فرمود: «خداوند در توزیع این دارایی ها نه به فرشته ای مقرب راضی بود و نه به پیامبری فرستاده شده، تا آن که خود عهده دار توزیع آن ها باشد.» (ماوردی، 1383ق: 254). الزکاه لما یخرج الانسان من حق الله تعالی الی الفقراء و تسميته بذلک لما یكون فیها من رجاء البرکه او لتزکیه النفس ای تنمیها بالخیرات و البرکات او لهما جمعاً فان الخیرین موجودان فیها: (راغب اصفهانی، بی تا: 218) زکات در لغت به معنای رشد، نماء و زیادتی است، هر چند به معنای طهارت، تزکیه و صلاح نیز می باشد. زکات در اصطلاح شرعی به حصه و میزان مقدر و معلومی از مال اطلاق می شود که جهت مستحقان آن فرض شده باشد. اطلاق زکات با ملاحظه معنای لغوی آن بر این اصطلاح شرعی، شاید از آن جهت باشد که اخراج یک حصه مقدر از مال زکوی، موجب تطهیر و تزکیه مال از اوساخ و دنائس می شود، و از سوی دیگر مال طیب و طاهر مالی است که با برکت و پربار شده و گویی نوعی زیادتی و وفور نعمت در آن ایجاد شده است یا احیاناً از آفات و عوارض مصون و ایمن می ماند (شعبانی، 1375: 115)

خمس

خمس یکی از مسلمات اسلام است که قرآن مجید و جوب آن را به صراحت بیان نموده است. قرآن ادای خمس را با ایمان به خداوند پیوند زده است. از اینجا روشن می‌شود که نه فقط اعتقاد به وجوب خمس، بلکه ادای آن از ضروریات دین است. آنچه بین شیعه و اهل سنت مشترک و مسلم است، وجوب خمس بر اموال جنگی است. ولی مکتب اهل بیت علیهم السلام با توجه به ظاهر آیه خمس و نظر به عرف و لغت، علاوه بر اموال غنیمت جنگی، خمس هر چیزی را که بر آن در لغت و عرف، غنیمت و فواید صدق می‌کند، واجب می‌داند و روایات فریقین را بر این مطلب دلیل آورده است. اما اکثر اهل سنت وجوب خمس را فقط بر اموال جنگی منحصر کرده‌اند، اگرچه برخی از آنها خمس را بر گنج و برخی دیگر بر اشیا نیز لازم می‌دانند (عابدی، 1387: 79). بنابراین بر هر مسلمانی واجب است هر مالی که از راه حلال بدستش آمده یک پنجم آن را بعنوان خمس به خدا و رسول و ذی القربی بپردازد، کم باشد یا زیاد و در متن آیه هیچ قید و شرطی جز اینکه غنیمت باشد ذکر نشده است. پس اگر عرفا از افراد غنیمت شمرده شود، غانم باید خمس آن را بپردازد، سال بگذرد یا نگذرد، مؤنه سال باشد یا نباشد (احمدی، 1362: 75).

جزیه

جزی: الجزاء الغناء و الکفایه قال الله: لا تجزی والد عن ولده ولا مولود هو جاز عن والده شیئاً. (راغب اصفهانی، بی تا: 91) «جزاء بی نیازی و کفایت است. خدای تعالی گوید: هیچ پدری را بجای فرزند و هیچ فرزندی را به جای پدر پاداش و کیفر نکنند. در لسان العرب آمده است: الجزیه ما یؤخذ من اهل الذمه و الجمع الجزی مثل لحيه و لحي و هی عباره عن المال الذی یعقد کتابی علیه الذمی و هی فعله من الجزاء کانهما جزت عن قتله. «جزیه چیزی است که از اهل ذمه گرفته می‌شود و جمع جزیه چیزی است مثل لحيه که جمعش لحي است و آن عبارت از مالی است که اهل کتاب بر آن پیمان می‌بندند و آن بر وزن فعله از جزاء است گویا آن کار از قتلش کفایت می‌کند. (ابن منظور، 1405 ق: ج 6: 146) و همچنین در مفردات راغب آمده است: الجزیه ما یؤخذ من اهل الذمه و تسميتها بذلک للاجترأ بها فی حقن دمهم. (راغب اصفهانی، بی تا: 91) «جزیه چیزی است که از اهل ذمه گرفته می‌شود و تسمیه آن بخاطر این است که با جزیه در حفظ خونشان کفایت می‌شود.» و همچنین در قاموس قرآن آمده است، جزا درباره پاداش و کیفر هر دو بکار رفته است ولی اجر تنها در پاداش استعمال گردیده است مثل «جزاء سیه سیه مثلها؛ «انتقام بدی به مردم بمانند آن بدی است» که در آیه مذکور به معنی بدی است و در این آیه: «و اما من آمن و عمل صالحا فله جزاء الحسنی؛ اما هر کس به خدا ایمان آورد و نیکو کردار شد برای اوست پاداش نیک» به معنی پاداش آمده است: مثال برای اجر: لهم اجرهم عند ربهم: برای آنها در نزد پروردگارش پاداششان است. (قریشی، بی تا: 37)

خراج

ریشه خراج خرج است. وقتی گفته می‌شود (خرج خروجاً) یعنی از جایگاهش یا از حالش بیرون آمد و آشکار شد. خواه جایگاهش خانه یا شهر و یا لباس باشد و یا حالش حال نفسانی باشد و یا غیرنفسانی. (راغب اصفهانی، بی تا: 218). در مجمع البحرین طریحی آمده است که خراج و خرج به یک معنی است و آن درآمدی است که قوم هر سال به اندازه مشخص از مالشان

خارج می کنند (الطریحی، بی تا: 294) و چون خارج از درآمد خراج دهنده خارج می شود به آن خراج گفته می شود. بعضی هم گفته اند که خرج مصدر است «یعنی خارج کردن» و خراج اسم مصدر یعنی نام چیزی که خارج می شود. (راغب اصفهانی، بی تا: 145). در قاموس قرآن آمده است: خرج اعم از خراج است، و خراج اغلب به حق الارض گفته می شود و خرج در آیه «فهل نجعل لك خرجاً علی ان تجعل بیننا و بینهم سداً» به معنی مزد آمده است: «آیا چنانکه ما خرج تو را بدهیم، سدی میان ما و آنها می بندی» و چون مزد از مال اجرت دهنده خارج می شود به آن خرج گفته اند. (قریشی، بی تا: 234).

انفال

از باب فرهنگ در مورد مفهوم و ماده اشتقاق انفال نظر یکسان ندارند. خلیل فرادهیدی انفال را جمع «نفل» و به معنای غنیمت دانسته است: «النفل الغنم و الجمع و نفلت فلاناً اعطته و النفسل بالسكون و قد یحرک الزیاده.» (فرادهیدی، بی تا: 325). این اثر میان «نفل» به فتح فا و «نفل» به سکون فا تفاوت قائل شده و اولی را به معنای غنیمت و دومی را به معنای زیادی دانسته است: «النفل بالتحریک الغنیمه و جمعه انفال و النفسل بالسكون و قد یحرک الزیاده.» (ابن اثیر، بی تا: 99). سعید خوزی میان ثلاثی مجرد «نفل» و ثلاثی مزید آن تفاوت گذاشته و اولی را به معنای نفی و دوم را به معنای غنیمت گرفته است: «نفل الرجل عن نسبه نفل/اض فنفاه ... نفل فلاناً تنفیلاً اعطاء نفلأ و غنماً.» (خوزی، بی تا: ج 3: 409). علامه فیومی ماده «نفل» را به معنای غنیمت دانسته و گفته است نوافل نماز را از آن جهت که زیاده بر واجبات است نافله گفته اند: «النفل الغنیمه ... و الجمع انفال مثل سبب و اسباب و منه النافله فی الصلاه و غیرها لانها زیاده علی الفریضه و الجمع النوافل.» (فیومی، بی تا: ج 2: 850). راغب اصفهانی بر خلاف فیونی که «نفل» را به معنای غنیمت و غنیمت را به معنای زیاده دانست، میان این دو فرق گذاشته و گفته است اگر چیزی با جنگ و پیروزی حاصل شود غنیمت و اگر بخشش باشد نفل است. نفل: النفل قیل هو الغنیمه بعینها، فانه اذا اعتبر بكونه مظفوراً به یقال له غنیمه، و اذا اعتبر بكونه منحةً من الله ابتداءً من غیر وجوب یقال له نفل: گفته شده - نفل همان غنیمت است، به اعتبار اینکه در اثر پیروزی بدست آمده باشد آنرا غنیمت گویند و به اعتبار بخشش خداوند است زمانی اگر جنگی واجب نگردیده آنرا نفل گویند» و كذلك قیل: الغنیمه ما حصل مستغماً بتعب کان او غیر تعب، و باستحقاق کان او غیر استحقاق، و قبل الظفر کان او بعده، و النفل ما یحصل للانسان قبل القسمة من جمله الغنیمه (راغب اصفهانی، بی تا: 524): «همچنین گفته شده است که غنیمت آن چیزی است که با رنج و یا بدون رنج بدست آید، خواه مستحق آن باشد یا مستحق آن نباشد و قبل از پیروزی باشد یا بعد از آن، اما نفل چیزی است که قبل از قسمت حاصل می شود و از جمله غنیمت است»

انواع درآمد بیت المال در زمان حال

منابع طبیعی

یکی از مواردی که در مورد فی و انفال مطرح است اموالی است که در اختیار حاکم اسلامی می باشد اما در فقه مذاهب اسلامی تعریفی از آن نیامده است منابع طبیعی است که بر اثر پیشرفت تکنولوژی قابلیت معامله و خرید و فروش پیدا کرده است. این منابع حوزه بسیار گسترده ای را شامل می شود و در کل جز منابعی محسوب می شود که از انفال خارج می شود برخلاف

گذشته که عایدات انفال و فی بسیار مشخص و واضح بوده است امروزه این مفهوم بسیار پیچیده و گسترده بوده و می تواند حالات متنوعی از محصولات مختلف را شامل شود. در این رشته از مواد و منابع نفت و گاز به عنوان یکی از منابع بسیار غنی و گران قیمت و پر فروش محسوب می شود.

نفت و گاز

جهان اسلام در حال حاضر بیش از نیمی از نفت و گاز مورد نیاز جهان و مخصوصاً دولتهای غربی و صنعتی را تأمین می کند. 75 درصد کل ذخایر نفت و 50 درصد کل ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد ولی متأسفانه آنطور که شاید و باید از وجود این نعمت الهی به عنوان یک امتیاز مهم در معادلات اقتصادی و سیاسی جهان استفاده نمی کند. علت اساسی این امر همانا اختلاف سلیقه ها و سیاستهای موجود بین کشورهای اسلامی است که توسط معاندین اسلام و مخصوصاً صهیونیست ها دامن زده می شود (ظاهری، 1376: 26). به هر حال ذخائر نفت و گاز جهان اسلام در قرن بیست و یکم از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود زیرا تولید نفت کشورهای غیر اوپک و غیر اسلامی (به استثنای ونزوئلا) در حد فعلی خواهد ماند و نیاز مازاد جهان به نفت و تا حدی گاز فقط توسط کشورهای اسلامی و مخصوصاً کشورهای منطقه خلیج فارس و تا حدی کشورهای تازه استقلال یافته منطقه دریای خزر تأمین خواهد شد. کشورهای اسلامی باید شکرگزار باشند و از این موهبت الهی بیشترین استفاده را بکنند و بدانند که اگر این منابع زیرزمینی و خدادادی در سرزمینهای کشورهای غربی و صنعتی بود در آن صورت مطمئناً قیمت هر بشکه نفت حداقل ده برابر قیمت فعلی بود و برای خرید آن هم مانند خرید سایر فرآورده های صنعتی و یا انتقال تکنولوژی حتی در زمینه انرژی مانند تکنولوژی نیروی هسته ای، شرایط و مقررات مخصوصی را نیز باید قبول می کردیم. نفت وزنه ای است که اختلاف سطح سیاسی موجود بین کشورهای اسلامی و غرب را تا حدودی جبران می کند و نیز زمینه ای است که کشورهای اسلامی می توانند همکاری های خود را از آنجا آغاز کنند. (ظاهری، 1376: 28).

معادن طبیعی

به لحاظ تاریخی منابع طبیعی نقش اساسی در توسعه کشورهای صنعتی و ثروتمند، از قبیل کانادا، آمریکا، استرالیا و کشورهای اسکانندیناوی ایفا کرده است؛ به لحاظ نظری نیز انتظار می رود که فراوانی منابع طبیعی، رشد اقتصادی را بهبود بخشیده و یا حداقل مانعی برای آن نباشد. تاریخ اقتصادی دو قرن اخیر دربرگیرنده مطالعات تجربی متعددی در مورد رابطه فراوانی منابع طبیعی و رشد اقتصادی است که به نتایج و یافته های متفاوتی رسیده اند. مطالعات تجربی انجام شده در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، منابع طبیعی را به عنوان موتور رشد اقتصادی معرفی کرده اند، اما بیشتر پژوهش های انجام شده از نیمه دوم قرن بیستم تاکنون، فراوانی منابع را باعث کندی رشد اقتصادی معرفی کرده و برخی از آن به بلای منابع طبیعی تعبیر کرده اند. مشاهدات عینی نیز نشان می دهد که پدیده بلای منابع طبیعی در همه کشورها دارای فراوانی منابع طبیعی مصداق ندارد، بلکه این پدیده بیشتر در کشورهای در حال توسعه و به ویژه کشورهای نفتی مصداق دارد (بهبودی و همکاران، 1388: 127). بهره برداری از منابع طبیعی در کشورهای گوناگون و در طول سالیان متمادی شیوه های گوناگونی را تجربه کرده است. این شیوه ها که با نوع مالکیت آن منابع مرتبط هستند به خصوصی، دولتی، گروهی و دسترس آزاد تقسیم می شوند. هر یک از این شیوه ها نقاط قوت و ضعفی دارند. در نظام حقوقی اسلام، با توجه به نگاه خاص به دولت و ترسیم

دولتی قدرتمند براساس حکومت ولایی تحت سرپرستی پیامبر و امام مالکیت اولیه بخش قابل توجهی از منابع طبیعی، تحت مالکیت دولت یا تحت نظارت او قرار داده شده است؛ با وجود این، نهادها و راهکارهای گوناگونی در این نظام برای استفاده بخش خصوصی از منابع قرار داده شده است. بسیاری از فقیهان معتقدند که بخش خصوصی، از طریق نهاد احیا و نیز حیات، این منابع را در مالکیت خود قرار می‌دهند و بدین طریق، مالکیت این منابع به بخش خصوصی منتقل می‌شود. در مقابل، گروه دیگری از فقیهان، این منابع را همواره در مالکیت و تحت نظارت او دانسته، و در عین حال، بخش خصوصی را به استفاده درست از آنها مجاز دانسته‌اند. این دیدگاه آثار خاص حقوقی و اقتصادی داشته و به‌صورت مشخص به آثاری در حوزه توزیع ثروت و درآمد، محیط زیست و عدالت بین نسلی خواهد انجامید (فراهانی فرد، 1385: 10) بهره‌برداری از منابع طبیعی در کشورهای گوناگون و در طول سالیان متمادی شیوه‌های گوناگونی را تجربه کرده است. این شیوه‌ها که با نوع مالکیت آن منابع مرتبط هستند به خصوصی، دولتی، گروهی و دسترس آزاد تقسیم می‌شوند. هر یک از این شیوه‌ها نقاط قوت و ضعفی دارند. در نظام حقوقی اسلام، با توجه به نگاه خاص به دولت و ترسیم دولتی قدرتمند براساس حکومت ولایی تحت سرپرستی پیامبر و امام مالکیت اولیه بخش قابل توجهی از منابع طبیعی، تحت مالکیت دولت یا تحت نظارت او قرار داده شده است؛ با وجود این، نهادها و راهکارهای گوناگونی در این نظام برای استفاده بخش خصوصی از منابع قرار داده شده است. بسیاری از فقیهان معتقدند که بخش خصوصی، از طریق نهاد احیا و نیز حیات، این منابع را در مالکیت خود قرار می‌دهند و بدین طریق، مالکیت این منابع به بخش خصوصی منتقل می‌شود. در مقابل، گروه دیگری از فقیهان، این منابع را همواره در مالکیت و تحت نظارت او دانسته، و در عین حال، بخش خصوصی را به استفاده درست از آنها مجاز دانسته‌اند. این دیدگاه آثار خاص حقوقی و اقتصادی داشته و به‌صورت مشخص به آثاری در حوزه توزیع ثروت و درآمد، محیط زیست و عدالت بین نسلی خواهد انجامید (فراهانی فرد، 1385: 11) فقها در باره مالکیت منابع طبیعی به‌طور کلی و معادن به‌طور خاص نظریات متفاوتی دارند که حداقل چهار نظریه در باره مالکیت معادن به ترتیب زیر وجود دارد:

الف. معادن به‌طور مطلق جزء انفال و ملک دولت اسلامی است چه در اراضی انفال باشد و چه در اراضی که متعلق به همه مسلمین است و چه در اراضی شخصی و خصوصی و چه معادن ظاهری و چه باطنی،
 ب. به‌طور مطلق از مباحات اصلیه و از مشترکات عمومی است، همه افراد می‌توانند به اندازه نیازشان استفاده و بهره‌برداری کنند.

ج. قول سوم معدن در ملکیت تابع زمینی است که در آن کشف می‌شود که اگر در اراضی انفال و دولتی باشد ملک دولت اسلامی است، اگر در اراضی که متعلق به عموم مردم است کشف گردد؛ مثل اراضی مفتوح العنونه متعلق به همه مسلمانان می‌باشد، اگر در اراضی شخصی کشف گردد ملک صاحب زمین است.

د. نظریه و قول به تفصیل میان معادن باطنی و ظاهری که اگر باطنی باشد جزء انفال و ملک دولت اسلامی و اگر ظاهری باشد از مباحات اصلیه و مشترکات عمومی است (عبادی، 1392: 10)

مالیات

مفهوم مالیات در عصر امروزی به تعبیر برخی فقها معادل با خراج در دوران صدر اسلام و زمان خلفا و حکومت‌های اسلامی بعد از آنها می‌باشد اما پس از آن نیز تغییراتی در میزان و نحوه و همچنین مبنای فکری تعریف مالیات شکل گرفته است که می‌تواند آن را از تعریفی متمایز از آنچه وجود دارد بیان نمود براساس مستندات نیز می‌توان به این موضوع اشاره کرد «ابو بکر

محمد بن یحیی صولی در کتاب «کتاب» از اهل علم که وظیفه درستدن خراج آن است که کسی را نزنند و علف و شدت نمایند و به عوض دنایر و دراهم، اقمشه و امتعه و اسباب و آلات بستانند» یعنی با مردم در اخذ وجوه مالیاتی مدارا و مماشاه کنند چنان که روایت کرده‌اند که «امیر المؤمنین (ع) چون خراج و جزیه سندی از اهل سوزن، سوزن و از اهل ریسمان، ریسمان و از اهل صنعت، آنچه ایشان را در دست بودی سندی و خمر و خوک و هر آنچه که در شرع حرام است سندی و به سبب خراج گاو، دراز گوش ایشان نفروختی (حقانی زنجانی، 1371: 42). برخی بر این باورند که مالیات را بر عهده مردم گذاشتن درست نیست و اسلام آن را بر نمی‌تابد. انفاقات واجب در اسلام مشخص و معین است و جایز نیست مردمان را به پرداخت مالیاتهای اضافی وادار کرد (مخلص، 1374: 193). از مطالعه تاریخ حکومت‌های پیش از اسلام 14: حکومت‌های ایران، روم، مصر و... به دست می‌آید که در این حکومت‌ها، مالیات‌هایی به طور منظم و مشخص وجود داشته است. این نشان می‌دهد که از زمانهای دوره از آن روزی که بشر توانسته به زندگی اجتماعی خویش، نظامی بدهد و حکومتی پدید آورد، گرفتن مالیات را به فطرت و عقل خویش دریافته است (مخلص، 1374: 197).

عوارض دریافت گمرکات و منابع مشابه آن

یکی از منابع جدید دولت‌ها منبع تعرفه‌های دریافتی از واردات و صادرات محصولات و خدمات می‌باشد. شرکت‌های تابع یک کشور به عنوان صادر کننده و وارد کننده کالا وظیفه پرداخت تعرفه به دولت‌ها بر عهده دارد. در گذشته چنین حالتی برای انجام معاملات نبوده که در مرزها مالیاتی به عنوانی تعرفه برای واردات کالا گرفته شود. در اسناد تاریخی و با تحلیلی که استنباط نگارنده پژوهش می‌باشد می‌توان نشان داد که از تجار مبلغی در قالب خراج حکومتی گرفته می‌شده است که جز منابع درآمدی محدود برای بیت المال بوده است. اما مبنای فقهی برای موضوع تعرفه گمرکی آن هم به آن صورتی که امروزه شاهد آن هستیم از سوی نگارنده یافت نشد. این موضوع را می‌توان در ماهیت گمرکات جستجو کرد چرا که اجرای سیاست‌های دولت در زمینه صادرات و واردات، نظارت بر امور ترانزیت کالا از قلمرو کشور، مبارزه و کشف کالای قاچاق، اعمال مقررات و سیاست‌های حمایتی و غیره، نقش گمرک را از جنبه‌های مختلف مشخص می‌نماید. اجرای سیاست‌ها و تعرفه‌های حمایتی از صنایع داخلی اعم از کشاورزی، صنعتی و تولیدی، تشویق صادرات و تولید جهت افزایش اشتغال در داخل کشور و تحصیل ارز، اعمال سیاست‌های گمرکی به منظور واردات مواد اولیه و کالاهای مورد نیاز صنایع و تولیدکنندگان، حتی جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و انتقال تکنولوژی به داخل کشور، تنظیم عرضه و تقاضا و تثبیت قیمت‌ها و اعمال محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای به منظور ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها، از مهم‌ترین نقش‌های اقتصادی گمرک محسوب می‌شوند. گمرک ایران به عنوان مرزبان اقتصادی کشور، نقش مهمی در وصول درآمدهای دولت و همچنین اجرای سیاست‌ها و خط مشی‌های اقتصادی-بازرگانی کشور به عهده دارد. در این راستا، هم‌اکنون اجرای کلیه مقررات صادرات و واردات، تشخیص و اخذ حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی، مبارزه با قاچاق، نظارت بر ترانزیت و پردازش و انتشار آمار بازرگانی خارجی از جمله وظایف کلی گمرک محسوب می‌شود. لذا عملکرد گمرک در 5 بخش مختلف واردات، صادرات، ترانزیت، امور مسافری و بازارچه‌های مرزی و تجارت چمدانی قابل بررسی است (فرهنگ و تعاون، 1384: 13). این عملکرد گمرکات به دلیل بازارهای متنوع و گسترده امروزی نیاز حکومتی بوده که از سوی غرب وارد شده البته در گذشته و حکومت‌های قبل از عصر صنعتی نیز به نوعی تعرفه برای کالاهای وارداتی وضع می‌شده است اما مبنای فقهی برای آن وجود نداشته است و یک نیاز حکومتی محسوب می‌شده است. البته می‌توان این موضوع را امروزه به عنوان یکی از منابع درآمدی در نظر گرفت. در دهه‌های

اخیر، سیاست‌های بازرگانی کشور در جهت حمایت از صنایع داخلی بوده است. این حمایت از سیاست‌های داخلی در جهت تامین منابع بین‌المللی دولتهای اسلامی می‌باشد که امروزه برای تامین منابع درآمدی بسیار مورد توجه است.

إقطاع در کتاب‌های فقهی

این اصطلاح در کتاب‌های فقهی و دیوانی اسلامی در سه مورد به کار رفته است:

الف) واگذاری حق خاص، مانند حق استخراج معادن یا حق استفاده از معابر و اماکن عمومی برای کسب و کار. در مآخذ اهل سنت با نام «إقطاع الإرفاق» شناخته می‌شود.

ب) واگذاری زمین برای کشاورزی که «إقطاع الأرض» و گاه «إقطاع التملیک» خوانده می‌شد؛ (سهرابی، 1391: 135) هرچند تعبیر دوم دقیق نیست زیرا این گونه إقطاعات در بسیاری از موارد به عنوان تملیک نبود بلکه تحت عناوینی مانند مزارعه، عمری (بخشش مادام‌العمر) و مانند آن در تصرف إقطاع گیرنده قرار داده می‌شد. (ابن فراء، 1421ق: 228) این گونه إقطاعات معمولاً در خالصه جات حکومتی و اراضی موات انجام می‌گردید. (ابن فراء، 1421ق: 229) در این موارد معمولاً مالیات زمین از إقطاع گیرنده ستانده می‌شد که در برخی ادوار خلافت اسلامی نظام مالیاتی خاص برای آن وجود داشت (قدمه بن جعفر، بی تا: 216-217) و گاهی نیز زمین همراه خراج آن به إقطاع داده می‌شد. (ابن رجب، 1405ق: 148)

ج) واگذاری خراج یک منطقه یا مزرعه که در مآخذ دیوانی اسلامی «إقطاع الإستغلال» خوانده شده است. در این گونه موارد، مبلغ خراج یک قریه یا مزرعه به شخصی خاص واگذار می‌گردید که آن را در وجه حقوق یا عطیه دیوانی دریافت و مصرف کند. (ماوردی، 1383ق: 381) إقطاعاتی که برای لشکریان انجام می‌شد و در مآخذ فقهی و دیوانی اسلامی بدان بسیار اشاره شده است از همین قبیل بوده است. (مقریزی، 1418ق: 183)

إقطاع در دوره پیامبر اکرم و خلفای راشدین

در کتاب‌های روایی اهل سنت، چهار دسته روایت در زمینه إقطاع ذکر شده است. برخی مربوط به إقطاعات پیامبر، دسته ی دیگر مربوط به إقطاعات ابوبکر، دیگری مربوط به عمر بن خطاب و دسته ی چهارم مربوط به عثمان بن عفان می‌باشد.

دسته ی اول، روایات حاکی از إقطاعات پیامبر (ص) می‌باشد که شامل یازده روایت می‌باشد.

دسته ی دوم، روایات حاکی از إقطاعات ابوبکر می‌باشد که شامل دو روایت می‌باشد.

دسته ی سوم، روایات حاکی از إقطاعات عمر بن خطاب می‌باشد که شامل چهار روایت می‌باشد.

دسته ی چهارم، روایات حاکی از إقطاعات عثمان بن عفان می‌باشد که شامل سه روایت می‌باشد. (سهرابی، 1391: 136-

137)

دیدگاه شیعه نسبت به إقطاع

برای بررسی دیدگاه شیعه به موارد زیر پرداخته می‌شود:

حکم اقطاع

اقطاع با تحقق شرایط آن نسبت به هر سه رکن یاد شده (یعنی مقطع، مقطع له و قطایع) جایز و امری مشروع است. (نجفی، 1404ق : 54)

مقطع (اقطاع کننده):

در جواز اقطاع از سوی پیامبر(ص) و امامان معصوم بحثی نیست؛ اما در اینکه منصب یاد شده اختصاص به آن بزرگواران دارد یا فقیه جامع شرایط نیز در عصر غیبت از آن برخوردار می باشد، اختلاف است. در مورد اختصاص اقطاع به معصومین ادعای اجماع شده است. (نجفی، 1404ق : 54-55)

مقطع له (کسی برای او اقطاع شده):

بنابر قول اختصاص اقطاع تملیک به آنچه که با احياء تملک می شود مانند زمین موات، شرط است که مقطع له بر احياء، توانا باشد. (سبزواری، 1413ق : 296)

قطایع (آنچه که واگذار شده):

قلمرو قطایع عبارت است از آنچه که مالک مشخص ندارد و احيای آن جایز و بدان وسیله قابل تملک است مانند زمین موات، معادن پنهان مانند طلا و نقره و زمین خراجی که با اقطاع، بخشی از منافع آن (خراج و مالیات زمین) به « مقطع له » بخشیده می شود. چنین زمینی با اقطاع، از خراجی بودن خارج نمی شود. (بحرالعلوم، 1403ق : 249) به طور کلی اقطاع زمین یا به اقطاع خود زمین است یا تمام منافع آن بدون زمین و یا برخی منافع آن مانند اقطاع خراج (مالیات بر محصول). (سبزواری، 1413ق : 295) اقطاع آنچه که احياء آن جایز نیست و به احياء قابلیت تملک پیدا نمی کند- مانند مساجد، راه ها، بازارها و موقوفات - جایز نمی باشد. (طوسی، 1387ق : 274-275) در جواز اقطاع آب های عمومی و معادن آشکار -مانند معدن نمک - اختلاف است؛ هرچند بر عدم جواز آن ادعای عدم وجود مخالف، در مسئله شده است. (طوسی، 1387ق : 275) برخی نوع دیگری از اقطاع به نام اقطاع رفاق را ذکر کرده اند که عبارتست از اقطاع محلی برای کسب در جاهای عمومی که مردم تجمع یا آمد و شد دارند- مانند خیابان و بازار- در صورت وسعت مکان و مزاحمت ایجاد نکردن برای دیگران. (طوسی، 1387ق : 275) اما قول مشهور عدم جواز این نوع اقطاع است. (نجفی، 1404ق : 76)

اثر اقطاع

اثر اقطاع آنچه که به احياء قابل تملک است -مانند زمین موات و معدن آشکار- ثبوت حق اولویت و اختصاص برای مقطع له، و در صورت احياء، ملکیت اوست. از این رو دیگری به احياء نمی تواند، مالک آن شود. (نجفی، 1404ق : 54-55) اما اگر «مقطع له» احيای زمین را ترک کند، امام او را بین احياء و ترک آن مخیر می کند و در صورت عذر، به او مهلت می دهد. چنانچه پس از تخییر امام، بدون عذر زمین را احياء نکند، زمین از او گرفته می شود. (طوسی، 1408ق : 134)

نتیجه گیری

1- ذخایری مانند نفت و معادن جدید مانند اورانیوم پایه فقهی ندارد اما همه اینها در فقه اهل سنت در بیان کنز ایراد شده اند. از سوی دیگر بحث مالیات در کتب فقهی به شکل امروزی موجودیت نداشته فقه اسلامی در همه رویکردها با مفهومی به نام خراج برای عایدات مستقیم دولت اسلامی استفاده کرده اند. که معمولی ترین روش برای دریافت عایدات مستقیم از مردم برای تامین مخارج دولتی بوده است.

2- مبانی حاکم بر منابع و مصارف بیت المال رویکرد مذاهب درباره آنها را با بیان احادیث و روایات ایراد نمود. و برای زکات، خمس، اقطاع و انفال از مفاهیم اولیه که بر همه رویکردها موثر افتاده بود نظریاتی بیان نمود. در این میان گسترده تری و چالشی بر انفال داشته است. فقهاء و مفسرین اعم از شیعی و سنی در اینکه با نزول آیه یک سوره انفال، انفال ملک حضرت رسول(ص) بوده و ایشان در رابطه با اموال مشمول آیه مبسوط الید بوده اند اتفاق نظر دارند و محققین شیعه معتقدند چنین اختیاری به امام معصوم(ع) به عنوان قائم مقام پیامبر اکرم(ص) تقویض شده است(الف) با این حال این اختیارات وسیع پیامبر(ص) و ائمه(ع) به مفهوم ملکیت شخصی آنها در خصوص اموال نبوده، بلکه به عنوان فرمانروای امت، انفال را در راه مصلحت جامعه اسلامی و عموم مسلمانان مورد استفاده قرار می داده اند.

3- البته فقهاء و مفسرین شیعی به استناد احادیث مستفیضه ای که در این خصوص وجود دارد دایره انفال را وسیع دانسته و حتی بعضی از مفسرین قبل از ذکر احادیث، در تفسیر کلمه انفال یادآور شده اند که «و هی غنائم خاصه». به استناد مفهوم لغوی این اصطلاح و توضیحات و تعبیرات وارده در سنت است که این فقهاء معتقدند که حتی اگر «ال» در «یستلونک عن الانفال» به غنائم جنگ بدر برگردد و به اصلاح «ال» عهد باشد، «ال» در عبارت «قل الانفال...» استغراق است و به همه مصادیق ممکن انفال راجع است.

4- از این جهت می توان گفت تفاوت عمده در مصرف و کسب بیت المال در مذاهب اسلامی در ظاهر کلمات فقهای آنها نهفته و در کلیت آن میتواند شامل بسیاری از موارد شود که مورد قبول طرفین می باشد که گاهی بر اثر مصالح تغییر کرده است.

پاسخگویی به فرضیه ها

1- به نظر می رسد با گذشت زمان بین منابع درآمدی بیت المال با آنچه در صدر اسلام وجود داشته است تفاوتی ایجاد شده است.

براساس منابع فقهی قفها منابع بیت المال را مانند زمان صدر اسلام به خمس، زکات، خراج، غنائم جنگی و خمس و زکات می باشد. البته منابع جدید یافت شده برای بیت المال مانند مالیات منابع نفتی و معدنی که هر یک از مذاهب رویکرد متفاوتی اما همسو درباره چگونگی اخذ درآمد و مصارف این منابع را اتخاذ کرده اند. پیرامون هزینه هایی که از نظر شیعه و اهل سنت برخی از هزینه ها مشترک می باشند. هزینه های مشترکی که در اینجا آمده است عبارتند از: زکات، خمس و اقطاع. در مورد زکات و خمس نص قرآن وجود دارد، لذا هر دو مذهب به بیان این دو هزینه پرداخته اند که البته در جهات آنها با همدیگر تفاوت هایی وجود دارد. در مورد اقطاع نیز تکیه بر سنت است که در این مورد نیز شیعه و سنی به بیان آن پرداخته اند. اما بنابر آنچه که محققان اهل سنت آورده اند، در بیان هزینه های عمومی تشابه چندانی با هزینه هایی که نویسندگان شیعی

آورده اند، وجود ندارد. البته می توان به یک مورد مشترک در همین زمینه نیز اشاره کرد که آن «هزینه های نظامی» می باشد. پیامبر(ص) دیون بدهکارانی را که از پرداخت بدهی خود ناتوان بودند، می پرداخت و در روایتی از ایشان آمده است: «هیچ بدهکاری نیست که بدهکاری خود را به یکی از والیان مسلمان عرضه کند و برای والی تنگدستی او ثابت شود، مگر آن که بدهکار فقیر، از بدهی خود رهایی می یابد و بدهی او بر عهده والی مسلمانان می آید که از محل اموال مسلمانان که در دست او است، باید پرداخت شود.» اما امروزه منابع بیت المال دچار تغییراتی شده است و در برخی حالات منابع جدیدی به آن اضافه شده است که از این منابع می توان به نفت، گاز و معادن اورانیوم اشاره کرد همچنین گمرکات نیز یکی از منابع تامین درآمدی بیت المال می باشد که در گذشته به این شکل وجود نداشته است.

در رابطه با پاسخ به فرضیه فوق نتایج پژوهش بیان می دارد که رویکردهای متفاوت و متنوعی نسبت به مصارف بیت المال در فقه امامیه و حنفی وجود دارد، اما همه فقهای مذاهب اسلامی بر اساس قرآن، سنت و سیره به استنباط درخصوص منابع درآمدی و مصرفی بیت المال پرداخته اند و می توان گفت که اجماع کلی درخصوص این منابع وجود دارد. البته برخی تفاوتها نیز دیده می شود که به دلیل استنباط از آیات و سنت می باشد. به عنوان مثال می توان به تفاوت در نوع درآمد از معادن و ذخائر زیرزمینی در فقه امامیه و حنفی اشاره کرد که در این مورد فقه امامیه بیان می دارد کلیه اموال و معادن و ذخائر زیر زمینی چه بصورت جامد و چه بصورت مایع در حوزه انفال قرار گرفته و در اختیار خدا، پیامبر، امام و پس از او حاکم جامعه اسلامی است. بنابراین این اموال سهم اختیارات مستقیم حاکم بوده و جزو اموال عمومی محسوب می شود. فقه اهل سنت رویکرد متفاوتی را در پیش رو گرفته، بطوری که کلیه منابع طبیعی را اعم از ذخائر و معادن چه بصورت جامد و چه بصورت مایع که بر روی زمین یافت می شود و یا قابلیت استخراج دارد مشمول پرداخت زکات می داند و پرداخت زکات به معنی آن است که این اموال می تواند در اختیار یک فرد و یا یک گروه خصوصی قرار بگیرد. به عبارت دیگر فقه اهل سنت بر خلاف فقه امامیه منابع طبیعی را صاحب مالک خصوصی می داند در حالیکه فقه امامیه این اموال را در حوزه اختیارات حاکم اسلامی معرفی می کند.

پیشنهادهای

با توجه به نتایج حاصل از پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می گردد:

- 1- تفکیک درآمدهای مبنی بر دستورات شرع از درآمدهای مبنی بر قوانین حکومتی
- 2- توجه به تمام ظرفیت های فقهی مذاهب اسلامی برای بازتعریف بودجه عمومی به عنوان بیت المال کشورهای اسلامی
- 3- سازماندهی جدید بودجه ریزی محاسباتی دولت بر اساس منابع و مصارف بیت المال
- 4- فرهنگ سازی و تبلیغات در جهت پرداخت ذکات و خمس و مالیات برای تامین امور عمومی کشور

منابع

1. ابن بابویه، محمد ابن علی. (بی تا). من لا یحضره الفقیه، جلد 4.
2. ابن اثیر، علی بن محمد. (1415ق). الکامل فی التاریخ، تحقیق: عبدالله القاضی، بیروت: دارالکتب العلمیه

3. ابن اثیر، مبارک بن محمد. (1399ق). النهایه فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق: طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، بیروت: المکتبه العلمیه
4. ابن رجب، عبدالرحمن بن احمد. (1405ق). الإستخراج لأحكام الخراج، بیروت: دارالکتب العلمیه
5. ابن فارسی، ابی الحسین احمد بن فارس بن زکریا. (1404ق). معجم مقاییس اللغه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی.
6. ابن فراء، محمد بن حسین. (1421ق). الأحكام السلطانیه، مصحح: محمد حامد الفقی، بیروت: دارالکتب العلمیه
7. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (1408ق). البدایه والنهایه، تحقیق: علی شیری، دارإحیاء التراث العربی.
8. ابن منظور، العلامه ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم. (1405ق). لسان العرب، قم: ادب الحوزه، ج 6، ص 70
9. احمدی میانجی، علی. (1362). خمس در کتاب و سنت (2)، نور علم، شماره 2، ص 70-81.
10. انصاری، محمد (1383). الموسوعه الفقهیه المیسره، قم، ج 2، ص 1536.
11. خمینی، روح الله (1421). کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
12. بحر العلوم، محمد بن محمد تقی. (1403ق). بلغه الفقیه، تهران: منشورات مکتبه الصادق
13. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم. (1405ق). الحدائق الناضره، تحقیق: محمد تقی ایروانی - سید عبدالرزاق مقرر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
14. بیات، اسدالله. (1365). منابع مالی دولت اسلامی، تهران: مؤسسه کیهان
15. ترجمه قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی الهی قمشه ای، تحقیق: محمد رضا انصاری محلاتی و مهدی برهانی و علی کرمی و محمد مروی، تهران، دارالقرآن الکریم «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی».
16. تقی ابواسحاق، ابراهیم بن محمد. (بی تا). الغارات، سلسله انتشارات آثار ملی، 2535 شاهنشاهی.
17. جعفریان، رسول (1373). تاریخ سیاسی اسلام سیره رسول خدا، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول.
18. جمعی از مولفین. (1371). دایره المعارف تشیع، موسسه دایره المعارف تشیع با همکاری شرکت نشر یاوران، چاپ اول.
19. جوهری، اسماعیل. (بی تا). الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، جلد 4.
20. حرعاملی، محمد بن حسن. (بی تا). وسائل الشیعه، جلد 29.
21. فراهیدی، خلیل. (بی تا). العین، منشورات دالهجره، ج 8، ص 325.
22. دجیلی، خوله شاکر. (1379). بیت المال: پیدایش و تحولات آن، ترجمه: محمدصادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی
23. زمخشری، چارالله. (بی تا). التفسیر الکشاف، بیروت: دارالکتب العربی
24. سبزواری، عبدالاعلی. (1413ق). مذهب الأحكام، تحقیق: موسسه المنار، قم: موسسه المنار
25. خوزی، سعید. (بی تا). اقرب الموارد، کتابخانه آیت الله مرعشی، ج 3، ص 409.
26. سلطانی، غلامرضا. و همکاران. (1368). الحکومه الإسلامیه، قم: در راه حق
27. سهرابی، مصطفی. (1391). بررسی ماهیت بیت المال و سیر تحولی آن در فقه فریقین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، دانشگاه فردوسی مشهد.
28. سید رضی. (بی تا). نهج البلاغه.

29. شعبانی، احمد (1375). تحلیلی پیرامون زکات، زکات یا مالیات، کدامیک؟، دین و ارتباطات، شماره 3، ص 115-150.
30. شمس الائمه سرخسی، محمد بن احمد. (1421ق). المبسوط للسرخسی، بیروت: دارالفکر
31. شهید اول، محمد بن مکی. (1412 ق). الدروس الشرعیة، قم: موسسه نشر اسلامی، ج 1، ص 258.
32. شیخ انصاری. (بی تا). فرائد الاصول، بحث استصحاب، چاپ وجدانی، ص 331.
33. شیخ طوسی. (1390). انتهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامی
34. شیرازی، الشیخ ابواسحاق ابراهیم بن محمد (بی تا). المهذب ضمن المصادر الفقهیة، ج 13، ص 608.
35. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر. (1404). شارح، جواهرالکلام فی شرح شرایع الإسلام، تحقیق: عباس قوچانی - علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
36. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۰). المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
37. طباطبایی حکیم، سید محسن. (1390 ق). مستمسک العروة الوثقی، جلد 9، قم: منشورات مکتبه آیه الله المرعشی، چاپ سوّم، ص 521.
38. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم. (1363). العروة الوثقی، تهران: المکتبه العلمیة الاسلامیة، جلد دوّم، چاپ سوّم، ص 893.
39. عسکری، محمد مهدی؛ اسماعیل پور دره، مهدی (1388). تحلیل نظری زکات و بررسی امکان تعمیم دامنه اموال مشمول زکات، مطالعات اقتصاد اسلامی، شماره 3، ص 119-154.
40. عزیزالهی، حجت. (1390). بررسی قواعد فقهی مربوط به مصارف بیت المال در فقه امامیه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد.
41. علامه حلی. (بی تا). التذکره، دار احیا التراث العربی.
42. کریمی، عباس. (1378). بهره برداری از انفال، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره 43، ص 59-76.
43. کیاء الحسینی، سید ضیاء الدین. (1380). برآورد خمس ارباح مکاسب به عنوان یکی از منابع مالی اسلامی تأمین اجتماعی، تأمین اجتماعی، شماره 9، ص 213-248.